



شبکه سلامت تا آخر هفته چند فیلم سینمایی پخش می‌کند. بر این اساس، فیلم سینمایی «به‌خاطر برادرم» به کارگردانی وان سویانگ سه‌شنبه ۸ اردیبهشت ساعت ۱۰ با زیرنویس ویژه ناشنوایان از این شبکه پخش می‌شود. در این فیلم با بازی یانگ سو دو، اک هریس و دای هان جی خواهیددید؛ دویانگ درورزش جودوورزشکاری صاحب‌نام ومشهوراست که صاحب چند جایزه بین‌المللی شده. او در

**همراه با فیلم‌های شبکه سلامت در ششمین هفته بهار**

# ایران متحد با آموزه‌های امام شهید

**گوینده صداوسیما تأکید کرد که شهادت رهبر انقلاب، ملت ایران را به سطحی تازه از همبستگی و خودآگاهی رسانده است**



اندازه می‌تواند در تقویت آرمان‌های انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت، مهم و تاثیرگذار باشد. البته لازم به ذکر است که این مهم، تک‌بُعدی نیست و همچون سایر پدیده‌ها لازم و ملزوم ابعاد و شرایط مختلفی است که باید از سوی مسئولان و مدافعان این مکتب مورد توجه قرار گیرد.

این تحلیلگر مسائل راهبردی ادامه داد: نکته مهم دیگری باید به آن توجه ویژه کرد، پیامدها و اثرات مهم شهادت رهبر عزیز ایران در حوزه اجتماعی است. در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی، پدیده‌ای وجود دارد به نام «اثر شهادت»، زمانی که حذف فیزیکی یک رهبر، به جای تضعیف یک نظام یا جنبش، آن را از سطح فردی یا مردمی به سطح ایدئولوژیک ارتقاء می‌دهد. همان‌طور که این شب‌ها در حضور هم‌وطن‌های عزیزمان در تک‌خیابان‌ها مشاهده می‌کنید، خون رهبر عزیز ایران، مرز

میان حامیان و بی‌تفاوتان نسبت به شرایط کشور و حاکمیت را تا حد زیادی از میان برداشت. مردمی‌که شاید در روزهای عادی در خانه می‌ماندند، با دیدن این جنایت متوجه شدند

سعید سیفی، گوینده صداوسیما با اشاره به این‌که مواجهه مستقیم مردم ایران با آمریکای جنایتکار و استکبار جهانی یک آزمون تاریخی برای ملت بزرگ و شریف ایران بود، گفت: هوطن‌های عزیز ما در این آزمون چیزی را کشف کردند که فراتر و مهم‌تر از پیروزی نظامی است و آن، «کشف توانایی خود» است.

وی درباره تغییر فضای ایران اسلامی بعد از امام شهیدمان اظهار کرد: وقتی رهبر یک کشور به شهادت می‌رسد، اغلب دو اتفاق ممکن است رخ دهد؛ یا ملتی از هم می‌پاشد، یا دوباره متولد می‌شود. به اعتقاد من و براساس شواهد میدانی، آنچه در ایران تا به امروز رخ داده است، تولد دوباره‌ای بوده که دشمن در محاسبات خود هرگز آن را پیش‌بینی نکرده بود و شاید این دقیقاً مصداق جمله معروفی است که ایرانی‌ها، استاد تبدیل تهدید به فرصت هستند.

سعید سیفی، گوینده صداوسیما و استاد دانشگاه ادامه داد: واقعیت و نکته مهمی‌که همه باید به آن توجه داشته باشند این است که رهبر خردمند و حکیم ما، شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای (رضوان‌الله تعالی علیه) در زمان حیات پریکت خود، معماری و تقویت‌کننده یک نظام

فکری بودند نه صرفاً یک مدیر ارشد سیاسی.

ایشان حدود چهار دهه بر این باور تأکید کردند که قدرت یک ملت نه در وابستگی به بیگانه بلکه در اتکای به درون است که در علم راهبردی، ما این را «خودکفایی قدرت» می‌نامیم؛ توانایی یک نظام برای بازتولید خود از درون، حتی زمانی‌که از بیرون ضربه می‌خورد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صداوسیما،

وی با بیان این‌که ایران در زمان آیت‌الله خامنه‌ای، یک نظام مردم‌محور با رهبری حکیمانه ایشان بود، گفت: اما امروز این احتمال وجود دارد که ایران با شهید آیت‌الله

خامنه‌ای، بیش از پیش به عنوان یک نظام اندیشه‌محور در مکتب مقاومت تقویت شود و این تفاوتی است که دشمن آن را درک نکرده و نمی‌داند که شهادت آیت‌الله خامنه‌ای تا چه

خوبی هستم» به کارگردانی سانتیاگو سگور چهارشنبه ۹ اردیبهشت ساعت ۱۰ با زیرنویس ویژه ناشنوایان از شبکه سلامت پخش می‌شود. داستان این فیلم با بازی سانتیاگو سگورا، تونی آگوستا و سیلویا آبریل در مادربند اسپانیا حول یک خانواده اتفاق می‌افتد که دارای پنج فرزند هستند. پدر خانواده (خاویر) فکر می‌کند بهترین پدر قرن بیست و یکم است.



جنایتکار و استکبار جهانی در جنگ تحمیلی، سه تجربه و پیام مهم برای آنها داشته است، گفت: پیام و تجربه اول این است که مردم ایران بخصوص نسل جدید به‌روشنی متوجه شدند، تهدید دشمن که سال‌ها رهبر شهید ایران و بسیاری از کارشناسان نسبت به آن هشدار می‌دادند، واقعی بود نه تبلیغاتی. دشمنی که دهه‌ها گفته می‌شد فقط می‌خواهد فشار بیاورد و قابل‌گفت‌وگو است. این بار با بمب و جنایت‌هایی آمد که دنیا را شوکه کرد، آن هم دقیقاً و باز هم در زمانی که مذاکره با آنها در جریان بود. این واقعیت، آگاهی تاریخی ملت را به سطح جدیدی ارتقا داد که پیامدهای بسیار مهم و روشنی دارد و نیاز به توضیح ندارد.

این استاد دانشگاه ادامه داد: پیام و تجربه مهم دوم برای ملت عزیز ایران این بود که متوجه شدند، ایستادگی در برابر آمریکا و حتی فراتر از آن، امکانپذیر است. این درسی است که نسل جوان ایران برای اولین بار نه در کتاب بلکه در زندگی واقعی خود لمس کرد. مردم ایران این واقعیت را زندگی و تجربه کردند که می‌توان در مقابل دو رژیم جنایتکار هسته‌ای که خود را ابرقدرت معرفی می‌کنند و متحدان منطقه‌ای و جهانی آنها، ایستاد و حتی آنها را مجبور به پذیرش شرایط خود کرد.

سیفی افزود: تجربه سوم که شاید مهم‌ترین پیام و درس برای مردم ایران و حتی جهان باشد، این بود که، قدرت مادی به تنهایی کافی نیست. آمریکا با تمام ناوهایش، با تمام بمب‌افکن‌های بی ۲ و تجهیزات نظامی خود، با تمام ائتلاف منطقه‌ای اش، نتوانست اراده یک ملت را بشکند و تاریخ این درس را به یاد خواهد سپرد.

وی تأکید کرد: جوانان ما که دشمن تاکنون تلاش کرده بود با تبلیغات گسترده، تصویری قدرتمند و حامی دموکراسی و آزادی از خود بسازد و مقاومت و شهادت و ایثار را در مقابل جنایت‌های دو رژیم کودک‌کش آمریکا و اسرائیل، صرفاً در کتاب‌ها و محتوای رسانه‌ای دیده و شنیده بودند، حالا آن را از نزدیک مشاهده و با پوست و گوشت خود آن را لمس کردند و اینجاست که باید گفت، عدو شودسبب خیراگر خدا خواهد؛ زیرا پیامد این تجربه برای جوانان ایران زمین یعنی تعمیق و تقویت باور به حقانیت نظام و کشورشان در مقابل دشمنان، یعنی یک عشق و علاقه بیشتر به آرمان‌های انقلاب، ولایت، نظام

جمهوری اسلامی، ایران عزیز و محور مقاومت، موضوعی که برکات زیادی برای کشور و خطرات جدی برای دشمنان این کشور دارد.

بایداری، مقاومت و دست برتر ایران در سه ضلع میدان، خیابان ودیلماسی مقتدرانه خلاصه می‌شود اما من معتقدم علاوه بر موارد مذکور، مدیریت، راهبرد و برنامه‌ریزی رهبر شهیدمان قبل از شهادت‌شان به عنوان رهبر و فرمانده کل قوا یکی از دلایل مهم و اصلی این پیروزی تاکنون بوده است. به عنوان مثال و در مهم‌ترین دلیل این ادعا می‌توان به فرماندهی فرماندهان نظامی به صورت موزاییکی در جنگ تحمیلی اخیر اشاره داشت. آن‌طور که فرماندهان نظامی ما در توضیحات خود به آن اشاره داشتند، همه فرماندهان ما قبل از حمله نظامی، برنامه و دفترچه اهداف مشخص داشتند که حتی اگر ارتباطات آنها با مرکز در زمان جنگ قطع می‌شد، دچار ابهام و سردرگمی نمی‌شدند و دقیقاً یکی از دلایل واکنش سریع نیروهای نظامی کشورمان به تجاوز دشمن نسبت به جنگ تحمیلی دوم، همین برنامه‌ریزی هوشمندانه فرمانده معظم کل قواد در دوران حیات‌شان بود که نباید از آن غفلت کرد.

سیفی عنوان کرد: در کل، ایران با شهید آیت‌الله خامنه‌ای و با درس آموخته‌هایی که از ایشان در زمان حیات‌شان داشتند، ایرانی متحدتر، مقاوم‌تر، قوی‌تر، با خودباوری

عمیق‌تر و اعتقاد بیشتر به آرمان‌های انقلاب و مکتب مقاومت خواهد بود زیرا در عمل و میدان دیدند که باور و عمل‌شان به این اصول و مکتب بود که باعث شد در برابر به اصطلاح ابرقدرت‌های جهان، دست برتر را پیدا کنند؛ واقعیتی که برکات آن در آینده این کشور، بیش از پیش خود را نشان خواهد داد.

سیفی افزود: در نظریه‌های روان‌شناسی ملی، وقتی یک ملت در برابر قدرت برتر مادی می‌ایستد و نمی‌شکند، چیزی در درون آن تغییر می‌کند که «خودباوری راهبردی» نام دارد. این همان چیزی است که ویتنام پس از آمریکا تجربه کرد، همان چیزی که افغانستان پس از شوروی آن را لمس کرد، با این تفاوت

بنیادین‌که ایران نه در موضع شکست بلکه در موضع مقاومت فعال و پیروزی ایستاده است.

وی با بیان این‌که مواجهه مستقیم مردم ایران با آمریکای

که این جنگ، جنگ حاکمیتی نیست بلکه جنگ هویت ملی و دینی آنها است. در واقع باید به این واقعیت اذعان داشت، شهادت رهبر عزیز ما، کاتالیزور وحدتی شد که هیچ سخنرانی و هیچ فراخوانی نمی‌توانست آن را بسازد.

سیفی با بیان این‌که امروز، رهنمودهای ایشان درباره اقتصاد مقاومتی، استقلال در صنایع دفاعی و تقویت محور مقاومت، دیگر برنامه یا نقشه‌ای روی کاغذ نیست بلکه زیرساختی است که در میدان جنگ آزمون خود را پس داده است، گفت: موشک‌هایی‌که دوزیم جنایتکار و تروریستی آمریکا، اسرائیل، متحدان‌شان و بسیاری از کشورهای جهان را شگفت‌زده کرده، میوه همان رهنمودهایی است که سال‌ها برای آن اهمیتی قائل نبودند و باور نمی‌کردند که به فرموده رهبر شهیدمان روزی چنان سیلی محکمی بخورند که نتوانند از جا بلند شوند، واقعیتی که امروز به‌روشنی آن را در میدان مشاهده می‌کنیم و دشمنانی‌که با همه قدرت، توان نظامی و ائتلاف منطقه‌ای و جهانی با هدف نابودی و تجزیه ایران به میدان آمده بودند، التماس مذاکره با این کشور را دارند.

**نقش مدیریت و راهبرد رهبر شهیدمان در پیروزی**

وی خاطرنشان کرد: بسیاری از کارشناسان، معتقدند دلایل

**ویژه**

## هم نفس با مردم در حماسه حضور



در این چهل و چند قسمت برنامه دیدیم، مجریانی از شبکه نسیم، شبکه تهران، شبکه یک، شبکه دو و شبکه‌های مختلف سیما در این برنامه حضور یافتند و میدان‌داری کردند.

این برنامه‌ساز درخصوص بازخوردها و مطالبات مردم نسبت به عملکرد رسانه‌ملی در جنگ تحمیلی سوم نیز گفت: خواسته مردم این است که رسانه‌ملی به‌صورت واقعی، درست و مستند، مردم را همراهی کند. مردم انتظار دارند سازمان صداوسیما همان‌گونه‌که تا امروز بوده، در کنار مردم بماند، سرعت عمل داشته باشد و خواسته‌های مردم را به‌صورت مستند، واقعی و آن‌گونه‌که باید، مخایره‌کند.

کریمی ادامه داد: پیش از عید، در همان زمانی که دشمنان ما ادعا می‌کردند فرآیند زندگی متوقف شده، مردم در خانه‌ها مانده‌اند و شهرها خالی شده، ما به‌صورت زنده و در چند روز متتهی به سال تحویل، تصاویر زنده‌ای از بیش از ۱۵ نقطه از بازارهای عمومی شهرهای مختلف کشور مخایره کردیم. این موضوع در رسانه‌های خارجی نیز بازتاب پیدا کرد و روایت این حقایق مطالبه مردم از صداوسیماست.

رامشخص و مطالبات را بیان کردند.

این تهیه‌کننده تصریح کرد: به تعبیر یکی از عرفای بزرگ، حضور مردم در خیابان‌ها به معنای واقعی، نوعی استغاثه به محضر صاحب‌الزمان (عج) بود.

کریمی اضافه کرد: ما هم در میدان دار، نفس به نفس مردم، هر شب تلاش کردیم که این حضور را پوشش دهیم؛ البته تمرکز ما کمی بیشتر بر پایتخت، یعنی استان تهران بود، اما واقعا هر شب نقاط مختلف استان تهران را پوشش می‌دادیم و به‌تدریج، شهرستان‌های مختلف نیز به این پوشش افزوده شدند.

وی متذکر شد: یکی از ویژگی‌های برنامه میدان‌دار، این بود که به‌طور کامل زنده پخش می‌شود. مادر این برنامه هیچ محتوای از پیش ضبط‌شده‌ای پخش نمی‌کنیم. تمام بخش‌های برنامه، به‌صورت زنده روی آنتن می‌رود. نکته جالب دیگر این بود که بسیاری از همکاران رسانه‌ای سازمان در این برنامه متحد شدند.

کریمی عنوان کرد: بسیاری از مجریانی که در شبکه‌های مختلف فعالیت می‌کردند، به‌طور داوطلبانه با ما تماس گرفتند و بدون هیچ‌گونه چشمداشتی اعلام آمادگی کردند. همان‌طور که

**چهره**

## وفاداری به گویش همدانی



بازیگر سریال «کلانتری یازده» تأکید کرد: برای من نقش باید خاص، چالش‌برانگیز و متفاوت باشد. این‌که فقط جمله حفظ کنم و جلوی دوربین بگویم، برایم هیچ لذتی ندارد. من عاشق این هستم که نقش، باعث تکاپو و حرکت درونی شود؛ چیزی که مرا مجبور به کشف و شهود درباره خودم کند.

به گزارش روابط عمومی رسانه‌ملی، مهران نعیمی، بازیگر نقش «گرو» در سریال کلانتری یازده، اظهار کرد: من از طریق دوستان به دفتر تولید معرفی شدم و بعد از گفت‌وگوی اولیه، فیلمنامه را خواندم. نقشی که به من پیشنهاد شد، گرو بود؛ شخصیتی همدانی، در حالی که من اصالتاً آذری هستم. اما خداوند به من این توانایی را داده که بتوانم لهجه‌ها را به خوبی ادا کنم، برای همین نقش را پذیرفتم.

این بازیگر ادامه داد: بعد از مطالعه فیلمنامه متوجه شدم که کاراکتر ویژگی‌هایی دارد که برای من چالش‌برانگیز است؛ ازجمله لهجه و خلق‌و‌خو که هیچ شناختی از آنها نداشتم. برای همین بعد از عقد قرارداد، بلافاصله به همدان رفتم تا با فضا، مردم و لهجه بیشتر آشنا شوم.

نعیمی بیان کرد: حدود پنج تا شش روز در همدان بودم؛ از بناهای قدیمی و محله‌هاگرفته تا بازار و قهوه‌خانه‌ها همه چیز را بررسی کردم. با مردم گفت‌وگو کردم، رفتارهای آنها را مشاهده و سعی کردم از جزئیات زندگی روزمره‌شان الهام بگیرم. در این مدت، با کتابی آشنا شدم تحت عنوان «اصول گویش همدانی» که در تمام طول فیلمبرداری همراهم بود. مدل راه رفتن، حرف زدن و حتی نحوه برخورد کاراکتر گرو از همین مشاهدات و تجربه‌ها شکل گرفت؛ یعنی از مردم واقعی همدان و خلق‌و‌خوی آنها. وی گفت: در فیلمنامه از ابتدا فضایی وجود داشت که

کاراکتر گرو کمی نمک و شوخ‌طبعی به سریال دهد. این ویژگی در متن بود اما من هم با توجه به تجربه‌های قبلی‌ام در آثار کمدی، از آن داده‌ها استفاده کردم تا لحن و موقعیت‌های طنزآمیز طبیعی‌تر شود. با همکاری نویسنده و کارگردان، گفت‌وگوهای مداوم داشتیم؛ گاهی بخش‌هایی از دیالوگ یا موقعیت‌ها را با هم بررسی می‌کردیم تا به تعادل خوبی بین متن و اجرا برسیم.

نعیمی در ادامه ضمن اشاره به استقبال مخاطبان از سریال کلانتری یازده، عنوان کرد: واکنش‌ها خیلی جالب بود. از شهرهای مختلف تماس داشتم؛ از کرمان تا تبریز و شیراز و حتی یک دوست همدانی که باورش نمی‌شد من همدانی نیستم. بعضی مخاطبان از تکیه‌کلام‌ها خوش‌شان آمده بود. جالب‌تر از همه، استقبال خود مردم همدان بود. آنها خوشحال بودند که بالاخره لهجه و کلمات اصیل‌شان به‌درستی و با احترام در سریال به‌کار رفته که این موضوع برای من بزرگ‌ترین پاداش است.

بازیگر کلانتری یازده همچنین به چالش‌های فیلمبرداری و سختی‌های کار در این سریال

اشاره کرد و گفت: قطعاً هر کاری فراز و فرود خودش را دارد. برای این نقش مهم‌ترین چالش همان وفاداری به گویش و کلمات اصیل بود.

ما می‌خواستیم از واژه‌ها و مدل حرف زدن درست استفاده کنیم اما طبیعتاً ممیزی و محدودیت‌هایی هم وجود داشت. با تعامل با عوامل رسیدیم به نقطه‌ای که هم صحیح باشد و هم اجرایی. نعیمی در پاسخ به این سؤال که ملاک شما برای انتخاب نقش‌ها چیست، گفت: برای من نقش باید خاص، چالش‌برانگیز و متفاوت باشد. این‌که فقط جمله حفظ کنم و جلوی دوربین بگویم، برایم هیچ لذتی ندارد. من عاشق این هستم که نقش، باعث تکاپو و حرکت درونی شود؛ چیزی که مرا مجبور به کشف و شهود درباره خودم کند. بازیگری برای من صرفاً یک حرفه نیست؛ بلکه یک عشق و یک نوع زندگی است.

این بازیگر تأکید کرد: هر نقش فرصتی برای تجربه یک زیست جدید است؛ چیزی‌که در هیچ شغل دیگری پیدا نمی‌شود. البته چالش‌های خودش را هم دارد اما همین چالش‌هاست که مرا به خود جذب می‌کند.